

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد هاشم رائق
۰۴ نومبر ۲۰۲۰

برگ خزانی



این برگ که سر گشته ز ایام خزان است از چهره زردش غم دوران عیان است
چون برق رود قافله عمر به سرعت زین شیوه همه عالم هستی هراسان است
یک روز رسد آخر هر کار به پایان آنچه که تمام نیست غم سودوزیان است
توصیف چه دارد غم بیهوده دنیا چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است
گرباز رسد شاهد مقصود به آغوش گل موج زند گر چه که ایام خزان است
تا بار دیگر گل به گلستان در آید بلبل ز درد هجر به ناله و فغان است
آتش به کجا است که سوزد دل و جانم این خاکسترم داغ زسوز دیگران است
آن آتش عشق است که سوزد سر و پا را این شعله پنهان، نمود دل و جان است
امروز مگو باز که فردا چه آید در فصل بهار قصه از باد خزان است
دلبر نشاید که دهد گوش به دردم زین غصه دل عاشق مسکین نگران است
رائق چه کنی شکوه ز رفتار زمانه این عادت دیرینه ارباب زمان است